

ویژگی‌های مبلغ از دیدگاه قرآن

آیت‌الله ناصر مکارم شیرازی

مقاله حاضر برگرفته از فرمایشات معظم له در نشست با گروهی از طلاب و فضلاء حوزه علمیه است که پس از تلخیص و ویرایش تقدیم خوانندگان گرامی شده است.

«یا ایهاالنبی انا ارسلناک شاهدا و مبشرا و نذیرا و داعیا الی الله باذنه و سراجا منیرا و بشرالمومنین بان لهم من الله

فضلا کبیرا.»

در جلد ششم کتاب در المثنوی سیوطی که از تفاسیر معروف روایی عامه است، روایتی از ابن عباس درباره این آیات آمده است.

«قد کان رسول الله امر علیا و معاذ ان یسیرا الی الیمن»

زمانی که پیغمبر صلی‌الله‌علیه‌وآله علی علیه‌السلام و معاذ را مأموریت داد که برای تبلیغ به سوی یمن بروند.

(یمن کشوری بود که مردمش آمادگی خوبی برای پذیرش اسلام داشتند، لذا پیغمبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله اهمیت

زیادی به آن کشور که از مراکز بزرگ تمدن کهن بشر در دنیا بود، می‌داد.) فقال: انطلقا، فبشرا و لاتنفرا، و بشرا و

لاتعسرا، فانه قد انزل الله علی «یا ایهاالنبی انا ارسلناک شاهدا و مبشرا و نذیرا» و داعیا الی الله باذنه و سراجا منیرا» و

بشرالمومنین بان لهم من الله فضلا کبیرا»

شما برای تبلیغ به یمن سفر کنید، توجه داشته باشید، باید مردم را بشارت دهید، جاذبه داشته باشید، دافعه نداشته

باشید و کار را بر مردم مشکل نکنید.

این آیات پنج صفت برای پیامبر به عنوان صفات مبلغ بیان کرده است. این صفات را پیامبر در بالاترین مرتبه

داراست و مبلغان دیگر در حد توان و قابلیت‌شان.

می‌فرماید: «انا ارسلناک شاهدا» ما تو را شاهد قرار دادیم. شاهد از شهود است. حال شهود پیامبر به اعمال امت

چگونه است؟

یک قسم از شهود پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله، شهود و نظارت ظاهری بود، ایشان مواظب رفتار و اعمال مردم بود و

هرگاه تخلفی را مشاهده می‌کرد تذکر می‌داد، قسم دیگر، شهود اعمال است، اعمال بر پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله عرضه می‌شود، چه این اعمال در خفا یا آشکار انجام شده باشد.

پس یکی از صفات مبلغ، شاهد و مراقب بودن است، مبلغ باید در منطقه تبلیغی خود مراقب گناهان و انحرافات که احیاناً وجود دارد، باشد و تذکر دهد. همچنین برای رفع کمبودها و نارسایی‌ها، چاره‌اندیشی کند.

حوزه علمیه قم نیز به عنوان مرکزی که تبلیغ و ترویج احکام دین را برعهده دارد، باید از وضع فرهنگی جامعه مراقبت کند و ناهنجاری‌هایی که الآن پیدا شده را مرتفع کند.

خوشبختانه معارف دینی با بحث‌های منطقی و عقل پسند و دنیاپسند بیان شده است، بنابراین باید کل حوزه علمیه از مراجع گرفته تا طبقات دیگر در اجتماع حضور داشته باشند.

«و مبشرا» مردم را بشارت دهید و آن‌ها را تشویق کنید، جاذبه داشته باشید، آن‌ها را به طرف خودتان بکشید.

«فبشرا و لاتنفرا»؛ نباید سخن و عمل و رفتار و خلق و برخورد مبلغ باعث تنفر و فرار مردم شود. روحانی باید محبوب و پناه‌گاه و حلال مشکلات مردم باشد، در عین حال بدون آن‌که نفرت ایجاد کند، نذیر هم باشد. مثل یک طبیب دلسوز، مردم را امیدوار کند. بیشترین درمان روحیه دادن به بیمار است، طبیب، اول به بیمارش امید می‌دهد، آن‌گاه می‌گوید، اگر مراقبت نکنی بیماری تو شدت می‌گیرد.

«و داعیا الی الله باذنه»؛ همه کوشش‌ها باید منتهی به دعوت الی الله باشد، گفتار و عمل و ذکر مصیبت‌ها همه باید دعوت الی الله باشد. از روی حساب دعوت به سوی خدا کنیم و در مسیر مسایل واقعی حرکت کنیم.

«و سراجا منیرا»؛ انسان باید سراج منیر باشد. پیغمبر صلی الله علیه و آله سراج منیر است. روحانی نیز که مشی او در زندگی، طریق پیامبر صلی الله علیه و آله است، باید اخلاقتش و زندگی‌اش و رفتارش و خانواده و بچه‌هایی که تربیت کرده همه این‌ها به گونه‌ای باشد که در مقام مواجهه، مخاطب از مشاهده وضع روحانی، به سوی خدا سوق پیدا کند. شما اگر در شب تاریک، در بیابانی چراغی را روشن کنید، همه موجودات زنده آن محیط جذب آن چراغ می‌شوند. نور رمز حیات و زندگی است، اگر چراغی نباشد همه پراکنده می‌شوند.

در آیه بعد هم می‌گوید: «و بشرالمومنین»؛ از بشارت شروع شد و با بشارت هم ختم می‌شود. دین باید با محبت

۲۹۲

و عاطفه و رحمت در میان مردم بروز کند، نه با خشونت. کاری نکنیم که ما را متهم به خشونت کنند.

قرآن یک‌صدو چهارده سوره دارد، یک‌صدو سیزده سوره آن با «بسم‌الله‌الرحمان‌الرحیم» شروع می‌شود. اساس، «الرحمان» و «الرحیم» است. پایه اصلی دین محبت است. اگر از طریق محبت، دوستی و عاطفه، به ویژه در برخورد با جوانان که علاقه‌مند به محبت‌اند، درآییم، در دعوت مان موفق خواهیم بود.

برادران عزیز، شما که به تبلیغ می‌روید باید بیشتر توجه‌تان به جوانان باشد.

الآن اکثریت جامعه ما را جوانان تشکیل می‌دهند. جوانان به هر سمتی بروند انقلاب کشور هم به همان سمت می‌رود. امروز تمام همت دشمن این است که این جوانان را از ما بگیرند و می‌خواهند آنان را به سمت و سویی غیر از اسلام بکشانند.

جوانان ما باید حال و هوای آن‌هایی را پیدا کنند که چهل ساله هستند و دوران کوران انقلاب را کاملاً درک کرده‌اند. باید جوان‌ها را با ارزش‌های انقلاب و ارزش‌های اسلام و صفات و خط امام آشنا کرد و در یک کلام نباید بگذاریم جوانان ما طعمه دشمن شوند.

نباید بگذاریم تهاجم فرهنگی مانند یک طوفان جوانان را بردارد و با خود ببرد، به ویژه در این دنیایی که ابزار تبلیغاتی خطرناکی وجود دارد که حصار برای آن نیست. نمونه‌ای را یاد آوری کنم؛ یکی دو روز قبل جوانی از خوزستان تلفن زده و می‌گفت: در این استان پانزده کانال تلویزیون بیگانه را می‌توان دریافت کرد. حال در تهران توانستیم جلوی ماهواره را بگیریم، اما آن‌جا احتیاج به ماهواره ندارد.

باید پایه‌های ایمان را در وجود این جوانان محکم کرد. باید جاذبه اخلاقی و منطق گویا و موفق مبلغان، آنان را جذب کند.

اگر پایه‌های ایمان در وجود جوانان محکم شد، تهاجم فرهنگی کاری از پیش نمی‌برد، حتی اگر در ناسالم‌ترین محیط قرار گیرند.

من در میان بعضی آشنایان افرادی را سراغ دارم که در آمریکا تحصیل کرده‌اند و بعد از ده یا بیست سال که به ایران آمده‌اند، خوشبختانه از روز اول متدین‌تر هستند. بچه‌ای که در آمریکا و در آن محیط مملو از تباهی پرورش

یافته، می‌خواهد پس از اتمام تحصیلات دانشگاهی وارد حوزه علمیه شود، این به برکت تقویت پایه‌های ایمان است. در تبلیغات باید توجه خاصی به مسائل جوانان داشت و با زبان آنان آشنا بود. آشنایی با زبان آنها، یعنی آشنایی با

الفبای فکری و طرز فکر آنها. تنها در این صورت است که می‌توانیم جوانان را جذب کنیم.

به هر حال ما در شرایط سختی قرار داریم و همه چشم‌ها به حوزه علمیه قم دوخته شده است. مبلغان و علما باید مصداق «العالم بزمانه لاتهجم علیه اللوایس» باشند و بدانند در دنیا چه خبر است. عالم به زمان و شرایط باشند و منطق مکتب‌های مختلف را بدانند و جواب‌های آنها را آماده داشته باشند.